

چکیده

در این مقاله، ضمن مرور دیدگاه‌های دانشمندان صاحب‌نام در حوزه اقتصاد و مالکیت فکری، اثرات پذیرش موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری در کشورهای درحال توسعه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. همچنین با استناد به شواهد تاریخی و مسیری که کشورهای تازه صنعتی شده برای توسعه پیموده‌اند و نحوه تقویت نظام حفاظت از مالکیت فکری در این کشورها، توصیه‌هایی برای نظام حقوق مالکیت فکری کشورهای درحال توسعه، ارائه می‌شود. در پایان، با توجه به این که قانون ثبت اختراعات و مالکیت صنعتی ایران در دست بازنگری است، پیشنهاد شده از این تجارب در تدوین قانون مذکور استفاده شود..

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت فکری، موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، حق ثبت اختراع، قابلیت‌های فناورانه، نوآوری، فناوری، تحقیق و توسعه.....

تأملی بر

تبعات پذیرش موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری در کشورهای درحال توسعه و ارائه پیشنهادهایی برای ایران

امید شاکری

دانشجوی مقطع دکتری مدیریت فناوری
واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
Shakeri1354@gmail.com

ابراهیم معینی

عضو هیئت علمی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران
emoeini@hotmail.com

۱. مقدمه

موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPS) یکی از اجزای سند نهایی مذاکرات اروگوئه و یکی از سه رکن موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی (شامل موافقت‌نامه‌های مربوط به تجارت کالا، خدمات و مالکیت فکری) است که از ابتدای سال ۱۹۹۵ عملیاتی و سازمان تجارت جهانی، روند نظارتی و اجرایی آن را عهده‌دار شد [۱]. این موافقت‌نامه، جامع‌ترین سند بین‌المللی در مورد حقوق مالکیت فکری محسوب می‌شود و حوزه‌های ذیل را دربر می‌گیرد:

(۱) حق نسخه‌برداری و حقوق جانبی آن، (۲) علائم تجاری، (۳) علائم جغرافیایی، (۴) طرح‌های صنعتی، (۵) حق اختراع، (۶) طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه، (۷) اطلاعات افشانشده یا اسرار تجاری.

موافقت‌نامه تریپس، ضمن آن‌که اصول اساسی حاکم بر سازمان تجارت جهانی را به حقوق مالکیت فکری تسری می‌دهد، استانداردهای حداقلی را برای حمایت از حقوق حوزه‌های فوق تعیین کرده و اصلاحات و رویه‌های لازم را برای اجرای حقوق مالکیت فکری در کشورهای عضو تجویز می‌کند.

در حین مذاکرات اروگوئه، بسیاری از کشورهای در حال توسعه تلاش کردند تا از ورود به حوزه حقوق مالکیت فکری اجتناب کرده یا دست‌کم، جنبه‌های آسیب‌رسان پیشنهادات کشورهای توسعه‌یافته را محدود کنند؛ اما لابی قدرتمند کشورهای شمال (کشورهای توسعه‌یافته صنعتی)، توانست تا بیشتر خواسته‌های آن‌ها را در زمینه حقوق مالکیت فکری، در این موافقت‌نامه بگنجاند. موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، در شش سال پس از اجرایی شدن آن، به مشکلات جدی اجتماعی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منجر شد که با رشد آگاهی‌های عمومی در سراسر جهان نسبت به این موافقت‌نامه، موجی از نارضایتی عمومی و تظاهرات خیابانی در این کشورها شکل گرفت. [۶]

۲. تأثیر نظام حقوق مالکیت فکری قوی در کشورهای در حال توسعه [۷]

در تحلیل اقتصادی، حقوق مالکیت فکری یعنی امتیاز انحصاری و موقت استفاده از دانش که نوآوران را قادر می‌سازد تا منافعی بیش از سود رقابتی عادی به‌دست آورند. تحلیل‌گران معتقدند هرچند این راه‌حل، برای جبران ناکارآمدی بازار به‌طور کامل مطلوب نیست، اما به‌منزله مصالحه‌ای قابل اجراست که دست‌کم در کشورهای صنعتی که منبع بخش عمده‌ای از نوآوری‌ها هستند، به‌خوبی کار کرده است. به‌طور کلی، اعطای حقوق انحصاری و موقت به نوآوران در یک جامعه، از جنبه‌های ذیل قابل بررسی است:

۱-۲. تحریک نوآوری خصوصی

این مورد، اولین مزیت اقتصادی نظام حقوق مالکیت فکری است که همگام با جهانی شدن هم رشد می‌کند. جهانی شدن، نوآوران (به‌ویژه شرکت‌های بزرگ چندملیتی) را به سمت تنظیم تحقیق و توسعه خود در سطح بازارهای جهان (و نه در سطح ملی) سوق می‌دهد. با این حال، در مواقعی که کشور موردنظر قابلیت‌های ابتکاری و محلی چندانی ندارد یا از چنین قابلیت‌هایی بهره‌ای نبرده، به‌طور کلی تقویت حقوق مالکیت فکری، نوآوری‌های داخلی را تحریک نمی‌کند. در مقابل، وقتی این تلاش‌ها شامل کپی کردن و نوآوری مهندسی معکوس می‌شوند، می‌توانند منبع حیاتی یادگیری، ایجاد توانایی و رقابت را محدود کنند.

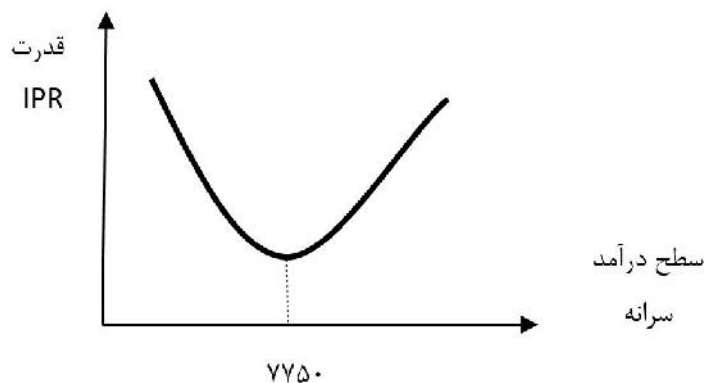
۲-۲. ماهیت فنی (فناوری) فعالیت

نقش ثبت اختراع در تحریک تحقیق و توسعه، بسته به نوع فعالیت، متفاوت است. در صنایعی (مانند مواد شیمیایی و دارویی) که در آن کپی کردن محصولات جدید برای شرکت‌های رقیب به‌نسبت آسان باشد، وجود نظام ثبت اختراع، برای جبران هزینه‌های زیاد و مخاطره‌آمیز تحقیق و توسعه صورت‌گرفته برای نوآوری محصول بسیار مهم است. با این حال، در صنایعی

که در آن کپی کردن بسیار دشوار و پرهزینه است (این صنایع بخش عمده‌ای از تولید در بسیاری از کشورها را تشکیل می‌دهند)، ثبت اختراعات به‌خودی‌خود برای تصاحب سود حاصل از نوآوری اهمیت چندانی ندارد، زیرا در این صنایع درجه بالایی از دانش پنهان (مهارت‌ها، تجربه، یادگیری، اطلاعات و سازمان خاص فناوری مورد نیاز برای رقابتی بودن) در فعالیت‌های فناورانه وجود دارد. مهندسی پیچیده، الکترونیک و بسیاری از صنایع سنگین، بهترین نمونه‌ها در این زمینه هستند؛ البته به این موارد محدود نمی‌شوند.

۳-۲. جنبه‌های اقتصادی

همان‌طور که بانک جهانی اشاره می‌کند [۹]، کشورهای پیشرفته و خالق نوآوری، ذینفعان اصلی موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری هستند، درحالی‌که در بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه، فعالیت‌های فناورانه به‌طور عمده شامل فراگیری استفاده مؤثر از فناوری‌های وارداتی (و نه خلق نوآوری!) بوده است؛ بنابراین حقوق مالکیت فکری ضعیف با امکان تقلید و مهندسی معکوس، می‌تواند به شرکت‌های محلی در مراحل اولیه افزایش قابلیت‌های فناورانه کمک کند. تجربه «برها» در شرق آسیا مانند کره و تایوان، در ایجاد شرکت‌های بومی قوی در مجموعه‌ای از صنایع پیچیده، بی‌تردید این مورد را تأیید می‌کند. شواهد تاریخی و مقطعی موجود از این فرض پشتیبانی می‌کنند که نیاز به حقوق مالکیت فکری، بسته به سطح توسعه‌یافتگی، تفاوت دارد. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و ثروتمند، در مراحل اولیه صنعتی شدن با استفاده از حقوق مالکیت فکری ضعیف، به ایجاد پایگاه‌های فناوری محلی اقدام کردند و همگام با نزدیک شدن به پیشروها در این عرصه، حمایت خود را از حفاظت بیشتر از دارایی‌های فکری افزایش دادند. مطالعات اقتصادسنجی [۸ و ۹] نشان می‌دهد رابطه U-شکلی بین قدرت حقوق مالکیت فکری و سطح درآمد وجود دارد. همان‌طور که کشورها برای ایجاد قابلیت‌های فناورانه داخلی توسط کپی کردن اختراعات، به سمت حقوق مالکیت فکری ضعیف پیش می‌روند، قدرت نظام حقوق مالکیت فکری با افزایش درآمد کاهش می‌یابد و هنگام مشارکت آن‌ها در کارهای نوآورانه، قدرت نظام حقوق مالکیت فکری هم با افزایش همراه است. نقطه عطف سرانه ۷۷۵۰ دلار به قیمت‌های سال ۱۹۸۵ است، که سطح به‌نسبت بالایی از درآمد برای جهان درحال‌توسعه است.



شکل ۱. رابطه بین قدرت نظام مالکیت فکری و سطح درآمد سرانه

طبق این نظریه، مزایای حقوق مالکیت فکری با درآمد افزایش می‌یابند و در سطوح بسیار کم، هزینه تقویت حقوق مالکیت فکری ممکن است بیشتر از سود حاصل از آن باشد. ماسکوس [۸] به سه هزینه بالقوه اشاره می‌کند:

۱. قیمت‌های بالاتر برای محصولات وارداتی و فناوری‌های جدید تحت حفاظت حقوق مالکیت فکری.
 ۲. از دست رفتن بخشی از فعالیت‌های اقتصادی با متوقف شدن فعالیت‌های تقلیدی
 ۳. سوءاستفاده احتمالی حفاظت توسط دارندگان پتنت به‌خصوص شرکت‌های بزرگ خارجی
- با این حال، ماسکوس در ادامه استدلال می‌کند که این هزینه‌ها حتی در کشورهای درحال‌توسعه، بیشتر از جبران منافع درازمدت حقوق مالکیت فکری هستند. به عقیده وی، منافع و مزایای بلندمدت ناشی از نظام مالکیت فکری قوی عبارت‌اند از:

۱. حقوق مالکیت فکری «پایه و اساس مهمی برای ساختارهای کسب‌وکار پیچیده» فراهم می‌کند و نشان می‌دهد

که حقوق مالکیت خصوصی به‌خوبی اجرا می‌شود. حقوق مالکیت فکری بی‌تردید وظیفه‌ی علامت‌دهی مهمی دارد؛ به‌ویژه در کشورهایی که پیش‌تر نظام‌های سیاستی مغایر با سرمایه‌گذاری خصوصی و حقوق مالکیت داشته‌اند. به هر روی، به‌راحتی نمی‌توان پذیرفت که حقوق مالکیت فکری قوی، باعث پیچیده شدن سیستم‌های کسب‌وکار می‌شود، زیرا بسیاری از کشورها با ساختارهای پیچیده صنعتی و شرکتی، حقوق مالکیت فکری ضعیفی داشته‌اند. درباره‌ی وظیفه‌ی علامت‌دهی، این امکان وجود دارد که علامت‌های دیگر توسط سرمایه‌گذاران و فروشندگان فناوری مهم‌تر تلقی شوند و به‌طور کلی، اهمیت محیط کسب‌وکار بیشتر از حقوق مالکیت فکری باشد. برای مثال، ضعیف بودن نظام مالکیت فکری، مانع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین یا برزیل و یا اخذ مجوز فناوری در کره و تایوان (با وجود نظام مالکیت فکری ضعیف این کشورها در آن دوره) نشد.

۲. فعالیت‌های فناورانه‌ی دیگری هم در کشورهای درحال‌توسعه وجود دارد که می‌توانند از حقوق مالکیت فکری قوی بهره‌مند شوند. با این حال، این امر بیشتر در مورد کپی‌رایت و حفاظت از علائم تجاری (و نه نوآوری و ثبت اختراع) صدق می‌کند که در آن حفاظت قوی می‌تواند بهبود کیفیت را ترویج دهد. تا آنجا که به ثبت اختراع مربوط می‌شود، کشورهای پیشرفته‌ای که به‌تازگی در حال صنعتی شدن هستند، به موافقت‌نامه‌ی جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری برای تقویت تحقیق و توسعه‌ی محلی نیاز دارند، اما بعید است که کشورهای کمتر توسعه‌یافته از دید فناورانه از این فعالیت‌ها بهره‌مند شوند. کشورهایی که بین این دو قرار می‌گیرند، اغلب کشورهایی هستند که هنوز با تقلید و مهندسی معکوس، قابلیت‌های فناورانه را ایجاد می‌کنند و ممکن است در مسیر پیوستن به موافقت‌نامه‌ی تریپس شکست بخورند. باید توجه داشت که موافقت‌نامه‌ی تریپس بر این منطق استوار است که به نوآوران (بیشتر در کشورهای توسعه‌یافته) اجازه دهد تا برای محصولات حفاظت‌شده (مادی و معنوی) قیمت بیشتری مطالبه کنند.

۳. نوآوران پیشرو، تاکنون تحقیق و توسعه‌ی بسیار کمی را به نفع کشورهای فقیر برعهده گرفته‌اند که به‌اندازه‌ی کافی برای آن کشورها سودآور نبوده است [۹]؛ بنابراین دلایل کمی برای این باور وجود دارد که تحقیق و توسعه‌ی جهانی با حقوق مالکیت فکری قوی‌تر در این کشورها افزایش یافته یا به نیازهای خاص آن‌ها رسیدگی می‌کند.

۴. حقوق مالکیت فکری قوی، در درازمدت، اثر مثبتی بر انتقال فناوری به کشورهای درحال‌توسعه دارد که ممکن است در تمامی اشکال آن مانند کالاهای سرمایه‌ای، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اخذ لیسانس (مجوز)، صدق کند. تا آنجا که به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مربوط می‌شود، بیشتر مطالعات پیشنهاد می‌دهند که حقوق مالکیت فکری در فهرست عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری در مورد محل شرکت فراملی، در رده‌ی به‌نسبت پایین قرار دارد. با این حال، سخت‌گیرانه‌تر کردن حقوق مالکیت فکری در سال‌های اخیر، ممکن است به‌خودی‌خود ارزش علامت‌دهی را برای سرمایه‌گذاران مطرح کرده باشد. همچنین این امکان وجود دارد که کشورهای حامی حقوق مالکیت فکری به‌صورت قوی‌تر، به سمت کسب‌وکار خصوصی تمایل بیشتری داشته باشند. همان‌طور که شواهد مطالعه‌ی موردی پیشنهاد می‌دهند، به احتمال زیاد، اثر بازدارندگی حقوق مالکیت فکری ضعیف، به‌نسبت خاص صنعت است. به بیان دیگر، سرمایه‌گذاری به احتمال زیاد، تنها نسبت به حقوق مالکیت فکری موجود در صنایعی مانند داروسازی حساس است و بنابراین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سایر بخش‌ها که سهم عمده‌ای از سرمایه‌گذاری مورد توجه کشورهای درحال‌توسعه را شکل می‌دهد، تحت تأثیر حقوق مالکیت فکری قرار نمی‌گیرد، همان‌طور که بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای درحال‌توسعه در دو دهه‌ی گذشته، به رهبری چین، نمونه‌های دارای نظام مالکیت فکری قدرتمند نبوده‌اند. بر پایه‌ی شواهد موجود، حتی نمی‌توان اثبات کرد که در صنایعی مانند مواد دارویی که نسبت به حقوق مالکیت فکری حساس هستند، شرکت‌های فراملی به‌دور از کشورهای درحال‌توسعه با حقوق مالکیت فکری ضعیف مانده‌اند، زیرا این شرکت‌ها، مبالغ زیادی را در این صنعت در کشورهایی مانند برزیل و هند سرمایه‌گذاری کرده و آن‌ها را در زمره‌ی پیشرفته‌ترین صنایع داروسازی در کشورهای درحال‌توسعه در شرکت‌های محلی و اتحادهای فراملیتی قرار داده‌اند. همچنین، طی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته، چندین شرکت فراملی داروسازی، تحقیق و توسعه‌ی خود را در قالب قرارداد به آزمایشگاه‌های ملی هند سپرده‌اند. در همان زمان، حقوق مالکیت فکری ضعیف، رشد عظیم صادرات دارویی هند و همچنین افزایش قابلیت برای تولید داروهای ژنریک در شرکت‌های محلی را تسهیل کرده است. بنابراین، توضیح این‌که موافقت‌نامه‌ی تریپس به‌تنهایی، به افزایش قابل‌توجه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای درحال‌توسعه منجر می‌شود، دشوار است. با این حال، می‌توان استدلال کرد که هند در حال حاضر به مرحله‌ای در تولید دارو رسیده که در آن حقوق مالکیت فکری قوی‌تر، موجب تحریک شرکت‌های محلی برای نوآوری بیشتر می‌شود. [۷]

۳. برخی از مشکلات جدی ناشی از پذیرش موافقت‌نامه تریپس در کشورهای درحال توسعه [۶]

۱-۳. تأثیر بر دسترسی مصرف‌کنندگان به کالاهای ضروری و دیگر کالاها

امروزه بسیاری از مصرف‌کنندگان در سراسر دنیا متوجه شده‌اند که قیمت بسیاری از محصولات محافظت‌شده با نظام حقوق مالکیت فکری، حتی در برخی موارد تا چند برابر بیش از هزینه تولید آن‌هاست؛ زیرا شرکت دارای حق ثبت اختراع یا حق انحصاری، مانع از ایجاد حس رقابت در تولیدکنندگان دیگر می‌شود. طبق موافقت‌نامه تریپس، اغلب موارد قابلیت ثبت شدن را دارند؛ به‌جز برخی استثنائات که البته غذا و دارو به‌صراحت در استثنائات ذکر نشده است؛ نتیجه این‌که قیمت بالای برخی از محصولات برای مصرف‌کنندگان در کشورهای درحال توسعه، سبب افزایش موارد تخطی از اجرای موافقت‌نامه در این کشورها شده است.

برای مثال، تأمین داروهای مربوط به درمان بیماری ایدز برای هر بیمار در آمریکا، سالانه بین ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار هزینه دربر دارد، درحالی‌که قیمت داروهای مشابه در هندوستان که توسط یک شرکت داخلی عرضه می‌شود حدود ۳۰۰ دلار است؛ بنابراین می‌توان گفت حاشیه سود ناشی از امتیاز ثبت اختراع، حتی با احتساب پوشش هزینه‌های تحقیق و توسعه، باز هم بسیار زیاد است. برطبق الزامات موافقت‌نامه تریپس، اگر امتیاز اختراع یک دارو در کشوری درحال توسعه ثبت شود، سایر تولیدکنندگان (بدون کسب اجازه از صاحب حق اختراع) اجازه ندارند که نسبت به تولید، واردات یا فروش آن اقدام کنند؛ بنابراین بیماران در کشورهای درحال توسعه، به احتمال زیاد قادر به تهیه داروهایی که امتیاز اختراع آن‌ها ثبت شده، نخواهند بود. به‌طور کلی می‌توان گفت شرکت‌های چندملیتی و برخی از دولت‌ها در کشورهای ثروتمند، آشکارا حق سود انحصاری خود را در مقابل حق سلامت و زندگی مردم قرار داده‌اند. در این خصوص، هنگامی‌که خشم عمومی در آفریقای جنوبی و دیگر کشورهای درحال توسعه ابراز شد و در کشورهای توسعه‌یافته از طریق گزارش‌ها و اقدامات گروه‌هایی مانند پزشکان بدون‌مرز، اکسفام و رافی که از طریق رسانه‌ها انعکاس یافت، یکی از شرکت‌های داروسازی اعلام کرد ترکیبی از دو داروی ایدز را به قیمت ۶۰۰ دلار در کشورهای درحال توسعه عرضه می‌کند و اضافه کرد این سطح قیمت، سودی برای شرکت دربر ندارد. بنابراین واضح است که حاشیه سود فروش این دارو برای شرکت مزبور بالاتر از ۱۰ هزار دلار است. کاهش قیمت برای کشورهای درحال توسعه، از سوی برخی از صاحب‌نظران، به‌عنوان تلاش شرکت‌ها به منظور مهار کردن خشم عمومی، نجات دادن نظام ثبت اختراع از خطرات و چالش اساسی و حذف امکان اعطای مجوز اجباری در کشورهای درحال توسعه قلمداد می‌شود.

۲-۳. تأثیر معکوس موافقت‌نامه تریپس بر توسعه و صنایع در کشورهای درحال توسعه

از نظر تاریخی، انتقال فناوری، نقشی کلیدی در صنعتی شدن کشورها ایفا کرده است. بخش بزرگی از این انتقال از محل تقلید یا کپی کردن فناوری‌های مورد استفاده دیگران صورت گرفته است، درحالی‌که هم‌اکنون تولیدکنندگان در کشورهای درحال توسعه، پس از عملیاتی شدن موافقت‌نامه تریپس و وضع قانون ملی، کپی کردن فناوری را که توسط نظام حقوق مالکیت فکری محافظت شده، مشکل یا غیرممکن می‌یابند.

هنگامی‌که شرکت‌های داخلی به استفاده از فناوری خاصی تمایل دارند، باید از دارنده حقوق مالکیت فکری آن، مجوز اخذ کنند که اغلب این روند با پرداخت حق امتیازهای گران امکانپذیر است، درحالی‌که بسیاری از این شرکت‌ها، قادر به پرداخت هزینه‌ها نبوده یا این‌که اگر هم بتوانند این هزینه‌های گزاف را پرداخت کنند، توانایی رقابتی خود را تا حد زیادی از دست می‌دهند. بنابراین، نظام حقوق مالکیت فکری طبق الزامات موافقت‌نامه تریپس، مانعی جدی در مسیر ارتقای فناوری در کشورهای درحال توسعه است. این در حالی است که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته اند، در مراحل توسعه خود، از پذیرش نظام حقوق مالکیت فکری خودداری کرده‌اند. برای مثال، در صد سال گذشته، در کشور سوئیس، به‌عنوان قاعده‌ای عمومی، اختراعات صنعتی در کشورهای خارجی ثبت می‌شد ولی در داخل سوئیس هیچ قانونی برای حفاظت از حق ثبت اختراع وجود نداشت و صنعتگران سوئیسی می‌توانستند اختراعات خارجی را بدون هیچ محدودیتی کپی کنند. اغلب کشورهایی که هم‌اکنون به‌عنوان کشورهای توسعه‌یافته شناخته می‌شوند، در قرن نوزدهم دارای نظام حقوق مالکیت فکری و ثبت اختراعات بودند اما تا اواخر قرن بیستم اجازه ندادند دامنه شمول قوانین ذیربط به حوزه مواد شیمیایی و دارویی تسری یابد. برای نمونه، قابلیت ثبت اختراع در حوزه دارو، در آلمان غربی و فرانسه در سال ۱۹۶۷، در ایتالیا در سال ۱۹۷۹ و در اسپانیا در سال ۱۹۹۲ امکانپذیر شد.

۳-۳. حقوق مالکیت فکری، مواد بیولوژیک و بیوپراسی

یکی دیگر از مباحث مهم، راهی است که موافقت‌نامه تریپس برای ثبت گونه‌های دارای حیات هموار کرده است که طی آن شرکت‌های فراملی، منابع بیولوژیک و دانش سنتی جوامع محلی در کشورهای درحال توسعه را به صورت استثماری تصاحب می‌کنند.

قبل از موافقت‌نامه تریپس، بسیاری از کشورهای درحال توسعه، اجازه ثبت گونه‌های دارای حیات، منابع بیولوژیک و دانش استفاده از آن‌ها را نمی‌دادند. به موجب بند ۲۷،۳ (b) از موافقت‌نامه تریپس، گیاهان و جانوران (به جز میکروارگانیسم‌ها) و همچنین فرآیند تولید آن‌ها (بجز فرآیندهای غیربیولوژیک و میکروبیولوژیک) قابلیت ثبت ندارند، با این حال، بسیاری از دانشمندان معتقدند ثبت گونه‌های دارای حیات (حتی اگر دستکاری ژنتیکی شده باشند) مانند یک اختراع یا نوآوری، پایه علمی ندارد و بنابراین سیستم ثبت، روشی نامناسب برای پاداش دادن به نوآوری در حوزه علوم بیولوژیک و مواد و فرآیندهای بیولوژیک است.

بسیاری از کشورهای درحال توسعه عضو سازمان تجارت جهانی، اظهار می‌دارند که در فرآیند بازنگری، بند ۲۷،۳ (b) باید طوری اصلاح شود که گیاهان، جانوران، میکروارگانیسم‌ها و فرآیندهای طبیعی، غیرقابل ثبت شوند. همچنین در اجرای حفاظت گونه‌های گیاهی، کشورهای درحال توسعه، مجاز به داشتن قانون منحصر به فردی شوند که از دانش و نوآوری جوامع کشاورزی بومی و محلی محافظت کرده و ادامه فعالیت‌های کشاورزی سنتی را فراهم آورد.

۳-۴. ادعاهای پوچ و وعده‌های عملی نشده

پس از عملیاتی شدن موافقت‌نامه تریپس، سرخوردگی‌ها از نظام حقوق مالکیت فکری آن، به دلیل ادعاهای به سرانجام نرسیده یا وعده‌های منافع تحقق نیافته، افزایش یافته است. از جمله این که عنوان می‌شد نظام حقوق مالکیت فکری، تحت الزامات موافقت‌نامه تریپس، انگیزه‌ای برای ارتقای نوآوری و تحقیقات در کشورها خواهد بود، حال آن که نتیجه معکوس حاصل شد، به طوری که در کشورهای درحال توسعه، بسیاری از اختراعات ثبت شده توسط خارجی‌ها صورت گرفته است. هم‌اکنون شرایط به گونه‌ای رقم خورده که پژوهشگران کشورهای صنعتی توسعه یافته، نگران این موضوع هستند که شیوه فعلی حقوق مالکیت فکری و روند فناوری اطلاعات، به محدود کردن استفاده از جریان اطلاعات هم منجر شود. در این راستا، برای نمونه، بند ۶۶،۲ موافقت‌نامه تریپس، اظهار می‌دارد که کشورهای توسعه یافته، مشوق‌های لازم برای انتقال فناوری به کشورهای کمتر توسعه یافته را فراهم می‌کنند که در عمل چنین اتفاقی نیفتاد.

در مجموع، با توجه به مسائل و مشکلاتی که نظام حقوق مالکیت فکری تحت موافقت‌نامه تریپس برای کشورهای درحال توسعه به وجود آورده، درخواست‌ها برای بازنگری در آن، از طرف این کشورها افزایش یافته است. برای مثال در مارس سال ۲۰۰۰ میلادی، یک هزار سازمان مردم‌نهاد (NGO) در کشورهای مختلف سراسر جهان، بیانیه‌ای را امضا کرده و خواستار جدایی موافقت‌نامه تریپس از سازمان تجارت جهانی شدند. اصلاحات مدنظر کشورهای درحال توسعه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. درنظر گرفتن فرجه، انعطاف و آزادی عمل بیشتر برای کشورهای درحال توسعه جهت اجرای موافقت‌نامه
۲. اجتناب کشورهای توسعه یافته و شرکت‌های آن‌ها از اقدام علیه کشورهای درحال توسعه
۳. بازنگری و اصلاح موافقت‌نامه تریپس به منظور رفع مشکلات ناشی از آن و اجرای جنبه‌های مثبت آن (مانند فراهم کردن زمینه انتقال فناوری) [۶]

۳. حقوق مالکیت فکری در جمهوری اسلامی ایران

تاریخ قانونی شدن حقوق مالکیت فکری در ایران به سال ۱۳۰۴ باز می‌گردد. پس از آن، قوانین مرتبط با حوزه مالکیت فکری به تدریج در سال‌های بعدی کامل‌تر شدند و آخرین آن‌ها هم قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری است [۳] که در سال ۱۳۸۶، برای اجرا به مدت ۵ سال به طور آزمایشی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. شایان ذکر است مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری پس از یک بار تمدید به مدت یک سال، در تاریخ ۵ آبان‌ماه ۱۳۹۲ به پایان رسیده بود و درواقع از آن زمان تاکنون در این زمینه خلأ قانونی وجود داشت؛ برای همین تمدید مجدد مهلت اجرای آزمایشی این قانون در دستور کار مجلس قرار گرفت که در نهایت نمایندگان مجلس، مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۳ بهمن ۱۳۸۶ را از زمان انقضای مهلت مذکور به مدت یک سال دیگر تا ۵ آبان ۱۳۹۳ تمدید کردند.

لایحه مالکیت صنعتی توسط کمیسیون علمی، تحقیقاتی و فناوری هیئت وزیران از ۳۱ خرداد ۹۳ در دستور کار قرار گرفته

است. این لایحه با توجه به نقشه جامع علمی کشور ذیل راهبرد کلان یک توسعه علم و فناوری در کشور، راهبرد ملی «ساماندهی نظام مالکیت فکری در حوزه‌های علم و فناوری» و اقدامات ملی متعدد مرتبط با آن تعریف شده است [۴]. مهم‌ترین تغییری که می‌تواند به موجب این لایحه در قانون و نظام حفاظت از مالکیت صنعتی کشور صورت گیرد، تأسیس سازمانی ملی و فرابخشی زیر نظر قوه مجریه برای ثبت و اعتبارسنجی مالکیت فکری در حوزه علم و فناوری است که این موضوع از زیرساخت‌های مهم در نظام ملی نوآوری بوده و در نقشه جامع علمی کشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است [۲].

شرط جدید بودن، هم در قانون مذکور و هم در ماده ۱۲ لایحه جدید، یکی از شروط ماهوی اختراع شمرده شده و چنین تعریف شده که موضوع مورد ادعا جهت ثبت اختراع، پیش‌تر در نقطه‌ای از جهان، از طریق انتشار شفاهی، کتبی، استفاده عملی یا از هر طریق دیگر برای عموم افشا نشده باشد [۵]. در این خصوص، هرچند به نظر نمی‌رسد مرجع ثبت در ایران با بضاعت موجود، حتی در آینده هم بتواند ارزیابی اختراعات را با توجه به جنبه جدید بودن در سطح جهان انجام دهد، اما با توجه به مباحث قبلی، این امکان وجود دارد که سخت‌گیری در نظام حقوق مالکیت فکری ایران، با توجه به این‌که کشور در مراحل مقدماتی توسعه و ارتقای قابلیت‌های فناورانه خود است، چندان به مصلحت نیست. به‌طور کلی در شرایط فعلی، نظام حقوق مالکیت فکری در ایران باید به‌گونه‌ای بازنگری شود که امکان و فرصت کپی کردن، مهندسی معکوس و تقلید خلاقانه محصولات فناورانه خارجی برای کشور از دست نرود.

۴. جمع‌بندی و ملاحظات دربارۀ تبعات پذیرش موافقت‌نامه تریپس توسط ایران

با توجه به مباحث فوق، به نظر می‌رسد نظام حقوق مالکیت فکری تحت موافقت‌نامه تریپس، نتوانسته بین منافع دارندگان دانش و فناوری و استفاده‌کنندگان از آن‌ها تعادل ایجاد کند. از طرفی، حقوق و امتیازات دارندگان در این نظام محافظت شده، درحالی‌که در مقابل برای آن‌ها، تعهدات ضعیفی برای تضمین منافع اجتماعی و اقتصادی عمومی در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، بین هزینه و منفعت کشورهای شمال و جنوب در این نظام، تقارن جدی وجود ندارد و کشورهای درحال توسعه را به شدت به نوآوری‌های کشورهای شمال وابسته کرده است. برای نمونه، اختراعات به ثبت رسیده کشورهای درحال توسعه بین سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۶، کمتر از ۲ درصد کل اختراعات ثبت‌شده در آمریکا در این مدت بوده است؛ برای همین کشورهای توسعه‌یافته، تسلطی کامل بر تجارت کالاهای با سطح بالا یا متوسط دانش فنی دارند [۶]. بنابراین می‌توان گفت مزایای نظام سختگیرانه حقوق مالکیت فکری تحت موافقت‌نامه تریپس، تنها به کشورهای توسعه‌یافته رسیده است و کشورهای درحال توسعه، هزینه‌های آن را پرداخته‌اند. از طرفی این موضوع هم مد نظر قرار گرفته که در کشورهای درحال توسعه، نظام حقوق مالکیت فکری ضعیف‌تر می‌تواند به شرکت‌های داخلی برای افزایش قابلیت‌های خود با انجام کپی‌کاری یا مهندسی معکوس کمک کند. همان‌طور که تجربه بره‌های آسیا (کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و هنگ‌کنگ) نشان داد و نظام حقوق مالکیت فکری ضعیف‌تر، نقشی مهم در توسعه فناورانه این کشورها ایفا کرد، به‌گونه‌ای که این کشورها از کپی‌کاری و مهندسی معکوس، برای ایجاد قابلیت‌های نوآورانه و مزیت رقابتی بخش صنعت خود استفاده کردند. البته برخلاف کشورهای درحال توسعه که حقوق مالکیت فکری ضعیفی دارند، این کشورها به دلیل سرمایه‌گذاری بر توسعه مهارت‌ها، صادرات‌محور بودن، واردات کافی کالاهای سرمایه‌ای از خارج کشور و وجود محرک‌های قوی دولتی برای فعالیت‌های تحقیق و توسعه، در ادامه روند صنعتی شدن خود، توانستند از مزایا و فرصت‌های حقوق مالکیت فکری قوی، استفاده کنند. گفتنی است در چند سال گذشته، کره جنوبی و تایوان تا حدودی تحت فشار شرکای تجاری و هم به این دلیل که سرمایه‌گذاری آن‌ها در حال حاضر به مرحله فناورانه رسیده است، به سمت رژیم‌های حق انحصاری مالکیت فکری قوی حرکت داده شده‌اند.

در پایان این مبحث، بار دیگر تأکید می‌شود میزان توسعه فناورانه و قرار گرفتن در معرض رقابت جهانی بستگی به سطح مهارت‌های موجود و بالفعل کشور، پیچیدگی فناوری‌ها و سطح تسلط و احاطه داخلی بر فناوری‌های مورد نظر دارد و بنابراین با توجه به مطالب فوق درباره ایران می‌توان گفت برای به حداکثر رساندن توانمندیهای داخلی باید ترکیب مناسبی از گرایش به بازار و دخالت دولت انتخاب شود تا زمینه لازم برای استفاده از دانش فنی خارجی جهت توسعه و گسترش توانمندیها برای به‌کارگیری و بهبود فناوری‌های وارداتی و در نهایت کسب بنیه زیربنایی فناورانه برای تولید محصولات متنوع و بهره‌مندی از پتانسیل‌های جانبی نهفته در چنین فعالیتهایی فراهم شود. بنابراین به نظر می‌رسد تا وقتی سیاست دولت در زمینه حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، به‌طور کامل ثمرات خود را در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان نشان نداده و از طرفی، بیشتر بنگاه‌ها و شرکت‌های داخلی، قابلیت انجام فعالیت‌های نوآورانه و ثبت آن در مقیاس بین‌المللی را پیدا نکرده‌اند، پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی و پذیرش موافقت‌نامه تریپس، ممکن است ضرر خالص قابل‌توجهی داشته باشد؛ برای همین بی‌تردید نیاز به رویکرد متمایز در قبال پذیرش موافقت‌نامه تریپس ضرورت دارد.

منابع

۱. نایزاده شهناز، حقوق مالکیت معنوی و انتقال فناوری، نشریه تدبیر، شماره ۱۸۰، اردیبهشت ۸۶.
۲. براتی مرتضی، نوری علی، آشنایی با مفهوم مالکیت صنعتی، دفتر مطالعات و ارتباطات و فناوری های نوین مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، اسفند ۱۳۹۲.
۳. قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری، مصوب ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی.
۴. نقشه جامع علمی کشور، مصوب ۱۳۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون علمی، تحقیقاتی و فناوری هیئت وزیران، پیشنهاد لایحه مالکیت صنعتی، ۳۱ خرداد ۱۳۹۳.
۵. Khor, M., Rethinking Intellectual Property Rights and TRIPS - Global Intellectual Property Rights, edited by Peter Drahos and Ruth Mayne, First published ۲۰۰۲ by PALGRAVE MACMILLAN, Oxfam.
۶. Lall, S., Indicators of the Relative Importance of IPRs in Developing Countries, UNCTAD-ICTSD Project on IPRs and Sustainable Development - Published by International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD), June ۲۰۰۳.
۷. 'Intellectual Property Rights in the Global Economy', Maskus, K., Institute for International Economics, ۲۰۰۰.
۸. 'Intellectual property: balancing incentives with competitive access, in Global Economic Prospects', ۱۵۰-۱۲۹, The World Bank, ۲۰۰۱.